

متن پرسش

به نام خدا با سلام و ارادت خدمت استاد عزیز در قرآن دو نوع نگاه به انسان وجود دارد و در واقع دو تعریف متفاوت از انسان داریم: برخی آیات الهی، انسان را برتر از دیگر موجودات (انعام: ۱۶۵)، خلیفه خدا روی زمین و دارای بالاترین ظرفیتها و قابلیت‌های علمی و آشنا به همه حقایق هستی (بقره: ۳۱-۳۳)، مسجود ملائکه (بقره: ۳۴)، برخوردار از فطرت خدا آشنا (اعراف: ۱۷۲)، بهره مند از عنصری ملکوتی و الهی در سرشت خود و آراسته با روح خداوند (سجده: ۹)، موجودی آزاد، مستقل، انتخاب‌گر امانتدار خداوند در روی زمین (احزاب: ۷۲)، بهره مند از وجدان اخلاقی و ملهم به خیر و شر و دارای قدرت درک زشتی‌ها و زیبایی‌ها (شمس: ۸ و ۹)، مسلط بر طبیعت و زمین و آسمان و نیز هدف‌نهایی خلقت بودن (بقره: ۲۲ و ۲۹ / ابراهیم: ۳۳)، و برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی (اسراء: ۷۰) معرفی می‌کند. اما قرآن کریم در کنار این ستایشها و تجلیلها، بدترین مذمت‌ها و نکوهش‌ها را نیز درباره انسان بیان می‌کند. بر اساس برخی آیات، انسان، دوستدار مال دنیا (عادیات: ۸)، حيله گر (یونس: ۲۱)، طغیانگر (علق: ۶ و ۷)، ناسپاس و ستمگر (ابراهیم: ۳۴)، جدال‌پیشه (کهف: ۵۴)، مأیوس (اسراء: ۸۳)، بخیل (اسراء: ۱۰۰)، ضعیف (نساء: ۲۸)، حریص (معارج: ۱۹)، شتابگر (اسراء: ۱۱)، تابع هوی و هوس (قیامت: ۵)، خودبین و فخرفروش (یونس: ۱۲)، معرفی می‌شود. لذا می‌خواستم دلیل تفاوت این دو نوع نگاه به انسان را برایمان بیان فرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: گفت: «آدمی‌زاده طرفه معجونی است/ کز فرشته سرشته و ز حیوان. گر کند میل این، شود پس از این / وار کند میل آن شود به از آن». آیات الهی که به جنبه‌ی الهی انسان نظر دارد ما را متذکر گوهر گرانبمایی پاک انسان می‌کند و آیتی که به جنبه‌ی نفس‌انسانی انسان نظر دارد ما را متوجه جنبه‌ی خاکی ما می‌نماید و می‌گوید: «پیکر خاک طلسم است و تو گنج» و آن گنج درون ما «خوش‌کمندی است به سوی مقصود». ما باید از این نوع تذکرات قرآنی به‌خود آییم که: «ما کشته‌ی نفسیم و بس آوخ که برآید/ از ما به قیامت که چرا نفس نکشیم» و تا دیر نشده چون مولایمان حضرت زین‌العابدین «صلوات‌الله‌علیه» در مناجات‌الشاکیین ناله سر دهیم: «إِلَهِی اِلَیْکَ اَشْکُو نَفْسًا بِالسُّوءِ اَمَّارَةً» و مواظب باشیم آن وجه منفی شخصیت ما، ما را احاطه نکند. موفق باشید